

بررسی راهکارهای تقویت مشارکت پذیری مردم محلی در مدیریت جامع حوضه های آبخیز

دکتر حبیب اله مهدوی وفا، دکتر رحمان شریفی

اعضای هیات علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان تهران
Hmahdavi2000@gmail.com

چکیده:

مدیریت منابع آب و خاک ابعاد مختلفی دارد. امکانات دولتی برای تامین نیازهای ابعاد مختلف به لحاظ محدودیت و ناتوانی میسر نمی باشد. از آنجا که بهره برداران اصلی پروژه ها ساکنان حوضه های آبخیز می باشند، از این رو برنامه ها و فعالیت های مربوط به استفاده اصولی طرح های آبخیزداری باید مورد توجه و حمایت مردم قرار گیرد. برای دستیابی به این هدف راه حل منطقی همانا مداخله و مشارکت دادن مردم در مدیریت منابع آب و خاک و در واقع سپردن کارها به مردم می باشد. بدین ترتیب نه تنها مقاومت مردم در اجرای پروژه ها حذف می گردد، بلکه توانایی اجرایی و اقتصادی آنها نیز در خدمت پروژه قرار می گیرد. دستیابی به این هدف از سیاست های اصلی دولت می باشد. لذا با توجه به اهمیت و تأثیر بسیار مهمی که امر مشارکت مردمی در پایداری دستاوردهای حاصل از انجام فعالیت ها و برنامه توسعه در ابعاد مختلف اقتصادی- اجتماعی دارد، شدیداً مورد توجه برنامه ریزان توسعه قرار گرفته است. مسئله مشارکت مردمی بعنوان یک ضرورت آنچنان اهمیت یافته که مورد توجه سازمان های بین المللی از جمله سازمان خواروبار کشاورزی، سازمان بهداشت جهانی، صندوق بین المللی توسعه کشاورزی و یونسکو نیز واقع شده است. از این رو اعلامیه کنفرانس جهانی اصلاحات کشاورزی و توسعه روستایی در زمینه اصول و طرح های عملی، بر اهمیت بنیانی مشارکت مردمی در توسعه مناطق روستایی تأکید می کند. اهمیت و ضرورت این موضوع بحدی افزایش یافت است که برخی از صاحب نظران، عصر حاضر را «عصر مشارکت» نام گذاری کرده اند. هر چند عملیاتی کردن، نهادینه کردن مشارکت مردمی از مهمترین نکاتی است که محور اصلی اندیشه اغلب تصمیم گیران و برنامه ریزان را شکل می دهد. هرچند چه دستیابی به تمام جوانب آن بسیار زمان بر و هزینه بر است. لیکن دستاوردهای حاصل از آن ارزش این همه وقت و سرمایه گذاری، بویژه در عرصه فعالیت های آبخیزداری کشور را دارد. محور اصلی این بررسی پاسخ گویی به این سؤال است که با چه شیوه هایی می توان مشارکت آبخیزنشینان را جلب و آن را در راستای توسعه یکپارچه حوضه های آبخیز کشور تقویت نمود. این تحقیق از نوع مطالعات توصیفی - تحلیلی و برگرفته از طرح تحقیقاتی است و از شیوه های اسنادی استفاده شده است. بنابراین تردیدی نیست که فقط تحقق مشارکت مردمی در مسیر توسعه جامع حوضه های آبخیز کشور می تواند راهگشا باشد و انبوه جمعیت به ویژه زنان و جوانان را در توسعه پایدار آنها به میدان آورد.

واژه های کلیدی: مشارکت مردم محلی، مدیریت جامع آبخیز، توسعه پایدار، آبخیزداری، آبخیزنشینان.

مقدمه:

یکی از نظریات جدید در زمینه توسعه، رهیافت توسعه پایدار می باشد که در دهه ۱۹۸۰ به بعد مورد توجه اکثر کشورهای جهان به ویژه کشورهای جهان سوم قرار گرفته است. این رهیافت با هدف برطرف نمودن احتیاجات انسانی و بهبود شرایط کیفی زندگی به عنوان قالب مناسب برای نگرش به نحوه بهره برداری از منابع و ایجاد رابطه متعادل و متوازن بین انسان و اجتماع و طبیع محسوب می گردد (ضابطیان، ۱۴: ۱۳۸۲). در این دیدگاه توسعه، با تاکید بر رهیافت مشارکتی و حرکتی از پایین به بالا و تقویت تشکل های مردمی و غیردولتی با قدرت تصمیم گیری بر منابع، زمینه توسعه مناطق فراهم می آید. جیمز گوستاو اسپت مدیر UNDP سازمان ملل متحد می گوید: «توسعه پایدار انسانی یک پیشنهاد برای تعمیم توسعه اجتماعی مبتنی بر اتکاء به خود است که نه تنها رشد اقتصادی ایجاد میکند بلکه منافع آن را هم عادلانه توزیع می کند. به جای تخریب محیط زیست آن را بازسازی می کند. به جای حاشیه قراردادن مردم به آن ها قدرت می دهد و بالاخره اینکه این توسعه به فقرا اولویت می دهد. فرصت و انتخاب های آن ها را بیشتر می کند و امکان مشارکت آن ها را در تصمیم های مربوطه فراهم می آورد». (دانیل تیلر، ۳۰: ۱۳۷۸).

در این میان ابهوف و کوهن (Abhoof & Kuhn) معتقدند که مشارکت یعنی شرکت داوطلبانه افراد در تصمیم گیری، اجرا، بهره برداری و ارزیابی فعالیت ها. هم چنین لیسک (Lisk 1984) معتقد است که مشارکت در توسعه روستایی یعنی دخالت دادن مردم در فرآیند تصمیم گیری ما و اجرای طرح ها و سهم نمودن آن ها در منافع طرح های، توسعه و مداخله آن ها در ارزیابی طرح ها می باشد (انصاری، ۱۶: ۱۳۸۱). مبنای تعاریف فوق مشارکت فقط به کوشش بدنی و مالی محدود نمی شود بلکه به عنوان یک فرایند مردم برانگیخته می شوند که در فرآیند برنامه ریزی توسعه محل خود از ابتدا و شناخت حوزه تا اجرای داوطلبانه مشارکت نموده اند.

پایین ترین سطح مشارکت مردمی، مشارکت در تامین نیروی کار و بالاترین سطح مشارکت، مشارکت در تصمیم گیری است و مردم با توجه به سطح تحصیلات و توانایی های خود می توانند مشارکت نمایند اما باید به این نکته توجه داشت که افراد باید با انگیزه و علاقه و داوطلبانه در امر مشارکت فعالیت نمایند. به نظر می رسد مشارکت مردم در برنامه ریزی و تصمیم گیری، اجرا، بهره برداری و ارزشیابی طرح ها، جامع ترین تقسیم بندی سطوح مشارکت مردم در طرح های منابع طبیعی است زیرا مشارکت مردم در برنامه ریزی و تصمیم گیری باعث آگاهی و افزایش حس مسئولیت پذیری شده. با مشارکت مردم در اجرای طرح ها، می توان بخشی از هزینه ها را با کمک مردم تامین نمود و با مشارکت آن ها در بهره برداری، امکان بهره مندی از فواید طرح ها شامل همه شده و تاکید توسعه پایدار بر ایجاد تعادل بین مردم تحقق می یابد، و اما بالاخره با مشارکت مردم در ارزشیابی طرح ها، مردم در جریان تقسیم و تسهیم هزینه ها و مشکلات قرار می گیرند و باعث ارتقاء آگاهی و افزایش اعتماد آن ها می شود. در واقع موضوع اصلی مشارکت، منافع مشترک گروه در جامعه و منافع مشترک فرد در گروه است. مشارکت حلقه گمشده در توسعه است که خود یک فرایند است. در این رابطه عوامل مختلفی مشوق مشارکت هستند که هر یک به نوبه خود می توانند در امر توسعه نقش موثر ایفا نمایند. این عوامل عبارتند از: «مردم، زمینه حرفه ای، توان و قابلیت های فردی، مشکل، مشترک بودن مشکل، تفاهم، شرایط خاص فرهنگی و اجتماعی، نیاز به تغییر، انطباق و قبول وضع جدید». با توجه به مطالب فوق، مشارکت را باید انگیزه و تلاش داوطلبانه برای توأم کردن یا تلفیق توان افراد برای حل مشکلات مشترک بدانیم. به هر حال تعاریف ارایه شده از مشارکت متفاوت است اما آن چه در این تعاریف مشترک است، استفاده از توان علمی، نیروی کار، دانش و مهارت مردم، بهره برداران و متخصصان است.

مواد و روش ها:

آرنشتاین پنج هدف ویژه مشارکت را چنین بر شمرده است (Sastry; 1997:38):

- ۱- مبادله اطلاعات: مبادله اطلاعات مرحله ای است که مردم و برنامه ریزان یا مسئولان برنامه ها با هدف تبادل نظر و اشتراک مساعی گردهم می آیند.
- ۲- آموزش: این مرحله گسترده تر از مرحله مبادله اطلاعات است. در این مرحله هدف فقط اطلاع رسانی نیست بلکه فراهم آوردن جزئیاتی در باره چگونگی انجام برنامه و آموزش است.
- ۳- جلب حمایت: این مرحله در برگزیده فعالیت هایی از قبیل محیط مناسب برای اجرای سیاست ها و طرح های پیشنهادی یا حل

اختلاف بین دولت و مردم می‌باشد. در زمینه اهداف خاص مبادله اطلاعات، آموزش و جلب حمایت، مردم به طور مستقیم در تصمیم‌گیری‌ها دخالت داده نمی‌شوند بلکه نظرات مردم در گیر و دار نظرات رسمی و اداری مطرح و بحث می‌شود.

۴- کمک به تصمیم‌گیری: به دخالت نظرات مردم در تصمیم‌گیری‌ها اشاره دارد.

۵- رأی‌گیری و لحاظ کردن رأی مردم در تصمیم‌گیری‌ها: شامل دخالت نظرات مردم در تدوین برنامه است بطوری که طرح‌ها نشان‌دهنده خواسته‌های جمع باشد.

همچنین کورت لوین معتقد است که مشارکت از ایستادگی مردم در برابر دگرگونی، نوسازی و نوآفرینی را می‌کاهد و بر سازگاری آن‌ها می‌افزاید. در فضای مشارکتی، تعارض‌ها و ستیزها جای خود را به همکاری و تعاون می‌دهند. بنابراین:

- مشارکت احساس وابستگی و علاقمندی را تقویت می‌کند. تحقیقات نشان داده‌اند هرگاه انسان در پدید آوردن امری مشارکت کند، از آن پشتیبانی خواهد کرد.

- مشارکت کناره‌گیری و تفرد را از میان برمی‌دارد. مشارکت کسانی را که در حاشیه کارها ایستاده‌اند، به درون کوشش‌های گروهی می‌کشاند.

- مشارکت فرهنگ سکوت را می‌شکند. مشارکت انسان را به گفتمان وامی‌دارد و راه را برای پدیدار شدن سرمایه‌های فکری هموار می‌کند.

- مشارکت شنیدن صدای دیگران را آسان می‌سازد.

- مشارکت رشد و توسعه را شتاب می‌بخشد و بهره‌وری را افزایش می‌دهد.

- مشارکت مشکل کمبود سرمایه و نیروی انسانی دولتی را برطرف می‌کند و در اجرا و حفاظت از پروژه‌های توسعه، سازمان‌های دولتی را یاری می‌رساند.

موسسه بین‌المللی توسعه و محیط زیست بالغ بر ۲۰۰ پروژه مشارکتی را بررسی کرده و برای مشارکت مردم مراحل بشرح ذیل ارایه کرده است:

مرحله اول: توجه به مشارکت‌کننده و دریافت اطلاعات

مرحله دوم: ارایه اطلاعات به مشارکت‌کننده

مرحله سوم: مورد مشورت قرارگرفتن مشارکت‌کننده

مرحله چهارم: مشارکت در تجزیه و تحلیل اطلاعات

مرحله پنجم: مشارکت برای دستیابی به توافق

مرحله ششم: مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و استراتژی اجرای آن

بدون تردید ارتقاء مشارکت مردم از مرحله اول تا مراحل بالاتر یعنی مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی خاص خود را طلب می‌کند صاحب نظرات معتقدند مکانیزم آن از طریق فرایند توانمندی‌سازی امکان‌پذیر است که سیاستی جهت قادرسازی اقشار مختلف مردم جهت کمک به آنان به منظور ایجاد تشکل‌های مردمی می‌باشد این شکل از مشارکت، اجتماعات خودسازمان‌یافته هستند که آنها در زمینه اهداف طرح و پروژه‌های توسعه روستایی تحرک نموده و نظارت بر منابع و اجرای فعالیت‌های توسعه‌ای تصمیم می‌گیرند. این رویکرد چهار نوع مشارکت شامل مشارکت در تصمیم‌گیری، مشارکت در اجرا، مشارکت در سهم بردن از منابع و بالاخره مشارکت در نظارت و نگهداری از پروژه‌ها را در بر می‌گیرد. ترکیب این چهار نوع مشارکت تحت هر اصطلاحی، چرخه‌ای برای برنامه‌ریزی و فعالیت مناطق روستایی بوده و موجب بسط دموکراسی، افزایش آگاهی و کنترل بیشتر مردم به زندگی خود خواهد شد (کان‌پرز، ۸۴: ۱۳۸۱).

در رویکرد توسعه پایدار، تقاضامحور و مشارکتی عبارت است از: تغییر دیدگاه‌ها، روش‌ها و ساختارهای ذهنی در برخورد با مسایل و مشکلات، جایگزینی رویکرد توسعه همه‌جانه و پایدار به عنوان تئوری مبنایی در برنامه‌ریزی توسعه، جایگزینی برنامه‌ریزی‌های محلی در فرایند توسعه، گسترش مشارکت مؤثر و همه‌جانبه مردم و نهادهای محلی در فرایند تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی، تغییر ساختار و کارکرد دولت از کارگزار توسعه به تسهیل‌گر توسعه همراه با توان فنی و سازمانی برای کار کردن با گروه‌های اجتماعی و برای پاسخگو

نگه داشتن دولت، مسؤولانی در سطح محلی که برای کار کردن با گروه‌های اجتماعات انگیزه داشته باشند، ایجاد نظام حقوقی و نهادی در توسعه که از خودسازمانی گروه‌های اجتماعی حمایت کنند (نارایان و ابه ۱۹۹۷:۱۱).

در واقع ۹۱ میلیون هکتار از اراضی زراعی ایران (۵۵/۵ درصد از کل اراضی)، در داخل حوزه‌های آبخیز واقع شده و در واقع جزء عرصه حوزه محسوب می‌شوند. بطوری که ۵۱٪ از جمعیت شاغل در آن به کشاورزی اشتغال دارند و از این راه کسب درآمد می‌نمایند، از طرفی بررسی‌ها نشان می‌دهد که ۷۰ میلیون از ۹۱ میلیون حوزه آبخیز دارای فرسایش ۱۰ تن در هکتار می‌باشد که موجب می‌گردد سالانه ۸۰۰ هکتار از بهترین اراض مرتعی - مزروعی از سوددهی خارج شود. علاوه بر این تخریب اراضی نیمه خشک کشور که حدود ۵۴ درصد از اراضی کشور را تشکیل می‌دهند، دارد. بررسی‌های نشان داده که هر ساله در ایران به طور مستمر ۱۵۰۰ تن در کیلومتر مربع خاک در اثر فرسایش آبی شسته شده و در واقع هر سال یک میلی متر از ضخامت خاک در ایران کاسته می‌شود. (سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، ۱۳۸۳). این روند را عوامل متعددی چون تخریب اراضی جنگل، استفاده از ماشین آلات سنگین در اراضی مرطوب، به کار گیری روش‌های غلط خاک ورزی، عدم به کارگیری روش‌های علمی یا چرای بی رویه و سنگین دام ایجاد می‌نمایند. نتیجه برهم خوردن تعادل هیدرولوژیکی آبخیزها به دنبال دخالت انسان، علاوه بر فرسایش عظیم خاک، منجر به سیلاب‌های مخرب و ویرانگر و خشکسالی‌های متوالی می‌شود.

در کشور ایران تنوع آب و هوایی و شرایط خاص جغرافیایی، زمینه‌های پیدایش و شکل‌گیری انواع بلایای طبیعی را فراهم ساخته است. قرار گرفتن شهرها و روستاهای ایران در مناطق کوهپایه‌ای، از میان رفتن پوشش گیاهی، رعایت نکردن حریم امنیتی رودخانه‌هایی که غالباً از میان و یا کناره شهرها می‌گذرند، ساخت و سازهای بی‌رویه در مسیر رودخانه‌ها، به زیر کشت بردن اراضی کنار رودخانه‌ها و سایر عوامل مشابه، از دلایل اصلی وقوع جریان‌های سیلاب به عنوان یکی از بلایای طبیعی می‌باشد. میزان خسارت‌های مالی ناشی از بلایای طبیعی در ایران به طور متوسط هر سال و در سال‌های عادی حدود ۱۱۰۰ میلیارد ریال می‌باشد و براساس آمارهای رسمی گزارش شده، از ۴۰ بلای طبیعی شناخته شده، ۳۱ مورد آن در ایران اتفاق افتاده است (نوروزی و نقی‌زاده، ۱۳۸۴:۲۴). کشور ما در سال ۱۳۶۹ به ازای هرنفر بیش از ۲۰۰۰ مترمکعب در سال، آب تجدیدشونده داشت و فارغ از شرایط بحران آب می‌بود. ولی انتظار می‌رود تا ۲۰ سال آینده نه تنها مرحله تنش و فشار ناشی از کمبود آب را تجربه نماید بلکه با کاهش سرانه آب به حدود ۸۰۰ مترمکعب وارد بحران کم‌آبی شود و در جرگه کشورهایی درآید که با مسایل سال بزرگ ناشی از کمبود آب درست به گریبان‌اند.

کانون توجه در برنامه‌های مدیریت علمی آبخیزداری، ضمن توجه به مسایل اقتصادی - اجتماعی - حفظ منابع آب و خاک و زیست محیطی در حوزه‌های آبخیز است. با بهره‌گیری از مجموعه گسترده علم و تجربه و در یافتن راه‌های پیشگیری و یا رویارویی، بدون آنکه نقش مردم از نظر دور بماند به دیگر سخن برنامه‌های حفاظت خاک و آبخیزداری، هم‌سو با توسعه پایدار و با اعمال مدیریت مسئولانه بر منابع، افزون بر نیازهای امروز، به منابع فردایمان نیز توجه دارد. در این مهم دانش و اطلاعات فراهم آمده از طریق پژوهش‌های علمی با توجه به پیوند میان علوم طبیعی، آموزش، فرهنگ، ارتباطات و علوم اجتماعی، از اهمیت و حساسیت ویژه برخوردار است (شفقتی و صنوبر، ۱۳۸۵:۴۵).

در این میان افزایش جمعیت در بسیاری از مناطق باعث بروز مشکلات بسیاری شده است بطوریکه تخریب منابع طبیعی یکی از معضلات قرن بیست و یکم به شمار می‌رود (رفاهی، ۱۳۷۸:۲) طی دهه‌های گذشته به دلیل عدم توجه کافی به حفاظت از منابع طبیعی خسارات فراوانی ناشی از روز سیلاب‌های مهیب، فرسایش شدید خاک و تبدیل زمین‌ها به بیابان‌های خشک و شن‌زارهای روان بوجود آمده است که همگی عمق فاجعه را بیش از پیش نشان می‌دهد (محبوبی و میردامادی، ۱۳۸۰:۲۵).

مدیریت و برنامه‌ریزی جامع در منابع خاک و آب، یک فرآیند مدیریتی چند جانبه می‌باشد که تمامی افراد در داخل عرصه (حوزه آبخیز) ذینفع می‌باشند را شامل می‌شود. این افراد به صورت یک گروه به طور مشترک در جهت شناسایی مشکلات و منابع مورد توجه در آبخیز و نیز توسعه و اجرای یک برنامه با راه حل‌هایی که پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را به همراه داشته باشند کار می‌کنند..

توسعه یک برنامه مدیریت جامع بر پایه اصول زیر استوار است:

۱- رویکرد جامع نگر: در مدیریت جامع هیچ چیز به صورت انفرادی اتفاق نمی‌افتد و باید به تمام اجزای تاثیرگذار در آن توجه گردد

در برنامه‌ریزی‌ها تصویری از کل مجموعه، اصول، فرآیندها، اهداف و نتایج مورد انتظار بررسی شود.

۲- فرآیند باز: برنامه‌ریزی و مدیریت جامع، باید بر روی همه از جمله افراد ذینفع باز باشد و فرآیندی آرایه نماید تا همه با روحیه تعاون، به منظور توسعه یک برنامه مدیریتی فعالیت نمایند.

۳- تصمیم‌گیری جمعی: در این خصوص بسیار مشکل است که تمامی افراد ذینفع در مجموعه را جهت اتخاذ یک تصمیم در کنار هم جمع نمود اما آنچه در این خصوص مهم است بیان این نکته می‌باشد که در مدیریت جامع باید یک بالانس و تعادل زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی برقرار باشد تا علی‌رغم طبیعت پیچیده مجموعه راه‌حل‌های قابل قبول برای تمامی افراد ذینفع حاصل گردد.

۴- فرآیند برنامه‌ریزی: برنامه‌ریزی در مدیریت جامع، یک فرآیند موثر و چرخشی است که از چهار جزء کلیدی ارزیابی، برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت تشکیل گردیده است.

در مدیریت جامع نیاز است عمل هماهنگی بین مقامات مختلف و مسئولین انجام شود، زیرا هیچ یک به تنهایی توانایی تخصصی در مدیریت تمام بخش‌ها را ندارند. به عبارت دیگر هدف از این نوع مدیریت، مسئولیت‌پذیری مشترک جهت برنامه‌ریزی، ایجاد فرصت برای تمام جوامع ذی‌نفع در برنامه‌ریزی و تشویق مدیریت صحیح می‌باشد (محسنی ساروی، ۱۳۸۵:۳۴).

باتوجه به اهداف و راهبردهای مدیریت جامع منابع طبیعی، و به منظور توانمندسازی مردم در تهیه برنامه توسعه پایدار، ابعاد اجتماعی، اقتصادی، محیطی و کالبدی زیر بنایی به شرح ذیل آرایه می‌شود:

اجتماعی - نهادی

از مهمترین مسائل منابع طبیعی در کشور ما مساله اجتماعی است، و مهم‌ترین مساله اجتماعی در ایران، مباحث مالکیت اراضی و عدم رابه مناسب بین دولت و مردم، ضعف تئوریک، فقدان تفکیک جنبه فکر و عمل و ضعف شناخت در این مقوله می‌باشد (محرابی، ۱۳۸۴:۱۶). بعد اجتماعی باتوجه به مشارکت مردم در برنامه‌ریزی از محورهای مهم توسعه پایدار می‌باشد که راهبردهای پیشنهادی این بخش عبارتند از:

- ۱- افزایش روحیه مشارکت‌پذیری و تعامل بر سه پایه مردم، تشکل‌های محلی و نهادهای دولتی.
- ۲- ترغیب مدیریت پایدار محلی برای استفاده بهینه از منابع انسانی و محیطی
- ۳- افزایش توانمندی، سطح دانش و آگاهی مردم.
- ۴- افزایش رضایت‌مندی اهالی از کیفیت زندگی.
- ۵- کاهش تنش‌های میان گروه‌های قومی در محل

اقتصادی

توانمندسازی مردم در ابعاد اقتصادی یکی از نیازهای اساسی دستیابی جامعه به توسعه پایدار می‌باشد. راهبردهای مورد نظر در این بعد به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱- افزایش خود اتکایی اقتصادی در بین مردم به ویژه زنان و جوانان
- ۲- تغییر نگرش مردم نسبت به اقتصادی کردن شیوه تولید و شیوه‌های جدید از طریق تشکل‌ها.
- ۳- ایجاد فرصت جدید اقتصادی از طریق تنوع در ساختارهای تولیدی به ویژه در بخش خدمات.
- ۴- ایجاد زمینه‌ها و فرصت‌های لازم جهت سرمایه‌گذاری در منابع محلی توسط مردم (تشکل‌ها) بخش خصوصی و دولت.
- ۵- افزایش فرصت‌های اشتغال در بخش صنایع یا محوریت کشاورزی.
- ۶- متنوع ساختن سهم فعالیت خدماتی از طریق تسهیلات مالی و اعتباری دولتی.

محیطی و اکولوژیکی

یکی از ارکان مهم توسعه پایدار توجه به مسایل زیست محیطی در حوضه های آبخیز می باشد:

- ۱- بهره برداری بهینه از منابع آب و خاک از طریق افزایش آگاهی در تشکلهای و نهادهای مردمی.
- ۲- حفاظت و جلوگیری از تخریب منابع طبیعی حوضه با هم یاری نهادهای و اجتماعات محلی.
- ۳- افزایش دسترسی عادلانه همه اقشار به ویژه زنان و جوانان به منابع
- ۴- ایجاد فضای زیست محیطی مناسب در عرصه زندگی مردم.
- ۵- احیاء و ظرفیت سازی در منابع آب و خاک

راههای جلب مشارکت در برنامه های آبخیزداری:

- ۱- ایجاد انگیزه مالکیت در بهره برداران از منابع خاک و آب.
- ۲- بکارگیری نیروی عظیم و خلاق مردم در احیا و حفاظت از منابع خاک و آب .
- ۳- بهره برداری اصولی و اقتصادی از منابع خاک و آب براساس دستورالعملها و قوانین
- ۴- تاکید بر داوطلبانه بودن مشارکت و اعتقاد به نظر مردم در مسایل منابع خاک و آب از جانب برنامه ریزان و مجریان.
- ۵- ارتقاء آگاهی بهره برداران و گسترش مراکز فرهنگی و سواد آموزی در میان بهره برداران.
- ۶- ایجاد و توسعه بیشتر تشکلهای مردمی
- ۷- برقراری ارتباط نزدیک بین بخشهای تحقیق، آموزش، ترویج و اجرا

موانع اصلی مشارکت در طرحها آبخیزداری:

- ۱- پراکندگی بهره برداران وعدم برنامه ریزی متمرکز، نامناسب بودن فن آوریهای مورد نیاز و عدم انطباق پروژهها با نیازها.
- ۲- عوامل فرهنگی از قبیل بی سوادی یا کم سوادی بهره برداران منابع طبیعی و عدم اطمینان کافی به کارشناسان و مجریان طرحها.
- ۳- بسته بودن سیستم تشکیلاتی اجرایی جهت مشارکت مردم و عدم اعتقاد برخی از برنامه ریزان و کارشناسان به مشارکت مردم در طرحهای آبخیزداری.
- ۴- کمبود نیروی متخصص کار آمد و عدم توانایی در برقراری ارتباط سازنده با مردم
- ۵- فقدان ارتباط بین مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی با کارشناسان بخشهای اجرایی.

نتایج:

یکی از روشهای مناسب مشارکت مردمی رویکرد توانمند سازی تحقق مدیریت جامع حوزه های آبخیز کشور می باشد. طبق تعریف توانمندسازی فرایند محلی است که در خلال آن فرد به دانش، فرهنگ و اعتماد به نفس که بتواند چگونه زیستن و گروهی کار کردن را بیاموزد اطلاق می گردد. تحقق این رویکرد از طریق ارتباطات (ملاقات، جلسات، گفتمان) بویژه از طریق آموزشهای غیررسمی توسط تسهیلگران بر افراد جامعه محلی برای پذیرش مسئولیت جمعی بدست خواهد آمد. در تعریف دیگر توانمندسازی فرایند محلی است (آزادی، ۱۰: ۱۳۸۰) که این رویکرد در توسعه پایدار از طریق خودتوانی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی امکان پذیر است که ابعاد هر یک به شرح ذیل می باشد. (تیلر، ۲۹: ۱۳۷۷) که در جدول ۱ معرفهای آن آورده شده است:

- ۱- توانمندی اجتماعی و فرهنگی: تحقق این رویکرد از طریق تقویت ارتباطات (ملاقات، جلسات، گفتمان) برای افراد جامعه جهت مسئولیت جمعی می باشد که خود مدیران توسعه خودشان باشد بدست خواهد آمد.
- ۲- توانمندی اقتصادی: شناسایی استعدادهای و ظرفیت سازی محیطی برای دسترسی اقشار جامعه به منابع.
- ۳- توانمندی نهادی: سازماندهی، تشکیلات و نهادهای مردمی، آگاه سازی روستائیان به حقوق خود و اعطای قدرت برای مطالبه حقوق از طریق نهادینه کردن فعالیت های جمعی.

جدول ۱- شاخص های فرایند توانمندسازی مردم محلی

شاخص ها	معرف	نوع مکانیزم
بازدیدهای ترویج	توانمندی فرهنگی	توانمندسازی
فعالیت های آموزشی		
جلسات و گفتمان محلی		
فعالیت بیشتر جوانان	توانمندی اجتماعی	
فعالیت جمعی زنان		
کاهش اختلافات محل		
تشکیل سمینار و گردهمایی محلی	توانمندی اقتصادی	
ظرفیت سازی محیطی		
فعالیت های آبخیزداری	توانمندی نهادی	
ارتباط فعال با دستگاه های دولتی		
بهبود مدیریت محل از طریق ایجاد تشکیلات محلی		

ماخذ: (تیلر، ۱۳۷۷:۳۹)

رویکرد توانمندسازی و مشارکت مردم بر اساس نیازهای جوامع محلی آبخیز تاکید می شود شده و بحث تدوین طرح جامع مشارکت و نظارت مردم و سازمان های غیردولتی در برنامه توسعه پایدار این حوزه های مطرح شده است. در این الگوی بنیادین توسعه مشارکتی انسان، به عنوان محور و عامل توسعه مطرح می شود تا موضوع آن، در این رهیافت مشارکت روستائیان صرفاً محدود به اقلیت نخبه های روستایی نشده بلکه تغییر ساختارهای دولتی موجود نیز در برمی گیرد و مردم حاشیه نشین و فقیر باید نظرات خود را بیان کنند و فرهنگ سکوت از طریق پروسه های ظرفیت سازی و توانمندسازی به صورت تدریجی شکسته شود، این بحث زمینه را برای بحث توسعه مشارکت روستایی در یک چارچوب مفهومی تسهیل گران بیرونی (دولتی) و تسهیل گران درونی (محلی) را آسان می کند (Hart 1999:16).

در این جا از طریق توانمندی و ظرفیت سازی توسط تسهیل گران بیرونی (کارشناسان) برای تسهیل گران درونی (پیشخانان) محلی صورت گرفته و آنها نیز متقابلاً آن را به مردم روستا منتقل کرده و به توانمندی محلی منجر خواهد شد. توانمندی بدین منظور که انسان در یک پروسه گفتگو موازی خود را باور کند و اعتماد به نفس در او تقویت شود تا خلاقیت ذاتی خود را بروز دهد. در این رو یکرد ارتباط متقابل سیستمی بین اجزاء مختلف توسعه اقتصادی، اجتماعی و محیطی وجود دارد که ما حاصل و فصل مشترک آنها دستیابی اجتماع به توسعه پایدار است. مچنین نقش دولت در این پارادیم از تولیدکننده و محوریت توسعه به ایجاد چارچوب قانونی برای توانمندسازی تشکیلات مردمی تغییر جهت یافته است. عدم اطلاع از روشهای بهره برداری صحیح، جنگلها و مراتع سرسبز به بیابانهای بی آب و علف بدل می شوند. متأسفانه بعضی افراد بدنبال کسب درآمد بیشتر اقدام به شخم این اراضی جهت کشت دیم می کنند که خود زمینه را جهت فرسایش و تخریب بیشتر زمین فراهم می کند.

بوته کنی، قطع درختان و چرای مفرط در مراتع نهایتاً مراتع و جنگلها را به بیابانهای خشک و بی آب و علف تبدیل خواهد کرد. آثار زندگی گیاه و دام در این بیابانها کمتر به چشم می خورد و حسرت دیدن آب و سرسبزی را بر دل هر بیننده ای به جای می گذارد. با ادامه روند تخریب مراتع، گیاهان مرتعی در سطح مراتع از بین رفته و به علت کمبود علوفه عشایر مجبور به فروش دامهای خود شده و برای امرار معاش راهی شهرها می شوند. فرسایش خاک هر سال شدید تر شده و با هر بارندگی، خاک با ارزش از دسترس خارج می شود. با فقیر شدن پوشش گیاهی، عشایر مجبور به تعلیف دام با استفاده از سرشاخه های درختان و علوفه های دستی می شوند. کمبود علوفه باعث سوء تغذیه، ضعف و بیماری دام می گردد و کاهش تولید گوشت و شیر و کاهش در آمد عشایر را بدنبال خواهد داشت. با از بین رفتن پوشش گیاهی در سطح مراتع در موقع بارندگی، آب بدون آنکه در خاک نفوذ کند، به سرعت روی سطح زمین جاری شده و

جویبارهای کوچک دست به دست یکدیگر می دهند و سیلابهای بزرگی به راه می افتد که در مسیر خود چادرهای عشایر، روستاهای پائین دست، جاده ها، پلها و زمینهای زراعی را تخریب می کند.

با انجام مدیریت جامع حوزه های آبخیزداری و احیاء پوشش گیاهی شرایط مجدداً جهت بهره برداری با مدیریت صحیح فراهم می گردد. باید دانست که در این مرحله نیز چنانچه بدون توجه به نکات فنی بهره برداری صورت گیرد، امکان تخریب و بیابانزائی وجود دارد و سرمایه و بودجه صرف شده به هدر خواهد رفت. نکته قابل توجه این است که قبل از تخریب مرتع باید با کمک کارشناسان به نحوی از مراتع استفاده شود که نیاز به اجراء طرحهای پرهزینه برای احیاء مراتع نداشته باشیم. با احیاء پوشش گیاهی و اعمال روشهای مختلف جریان آب را مهار نمود و امکان نفوذ آنرا در خاک فراهم کرد و با ایجاد شرایط مناسب اقدام به کاشت درخت و درختچه نمود. به این گونه فعالیتها که نهایتاً منجر به حفظ آب و خاک شده و شرایط را به سمت برقراری تعادل زیست محیطی سوق می دهد آبخیزداری گفته می شود. اسکان، تولید علوفه و شکوفایی پتانسیل های بالقوه عشایر گام موثری در حفظ آب، خاک و منابع تجدید شونده و تداوم حیات و زندگی است. اصلاح کاربری اراضی پر شیب حوزه های آبخیز از برنامه های پیشگیرانه آبخیزداری در مهار و کنترل سیلاب های ویرانگر مهمترین اقدامات اولیه و ضروری محسوب می شود. لذا پیشنهاد زیر ارائه می گردد:

- فراهم سازی زمینه مشارکت آبخیز نشینان در مدیریت جامع حوزه های آبخیز
 - اصلاح دیدگاههای دولتی در برنامه ریزی حوزه های آبخیز جهت تحقق رویکرد توانمند سازی این جوامع
 - افزایش ظرفیت حوزه های تخریب یافته به منظور بهره برداری بهینه از این منابع
 - ایجاد معیشت پایدار، امنیت غذایی و مقابله با بیابان زایی از طریق ارتقای فعالیت های یکپارچه مشارکتی در سطح حوزه آبخیز تخریب شده.
 - از میان برداشتن موانع موجود بر سر مدیریت مشارکتی یکپارچه و پایدارسازی حوزه های آبخیز کشور از طریق تقویت ظرفیت جوامع محلی به منظور برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی اقدامات صورت گرفته در مدیریت مشارکتی یکپارچه حوزه های آبخیز.
 - افزایش ظرفیت های محلی و ملی به منظور تعمیم این رویکرد توانمند سازی در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری های ملی
- باتوجه به اهمیت مشارکت در مباحث منابع خاک و آب، الگوی برنامه ریزی مشارکتی در حوزه های آبخیز به شرح زیر ارائه می گردد (جدول ۲).

جدول ۲: الگوی برنامه ریزی مشارکتی در حوزه های آبخیز

مراحل	فرایند برنامه ریزی	اقدامات مشارکتی
اول	شناسایی مشکلات، نیازها و مسایل حوزه	۱- برقراری ارتباط بین مردم و تسهیل گران به منظور ایجاد تفاهم ۲- زمینه سازی برای تحلیل مسایل منطقه از طریق جلسات و گفتمان
دوم	تعیین اهداف و راهبردهای توسعه محل	۳- شرکت اهالی در کلاس های توانمندسازی و دوره های آموزشی کوتاه مدت ۴- بازدیدهای ترویجی مردم حوزه از طرح های مشارکتی ۵- تشکیل اجتماعات و گردهمایی با حضور مردم- مسئولین و کارشناسان
سوم	شناخت و تحلیل وضع موجود حوضه	۶- سازماندهی گروه های مردمی برای جمع آوری اطلاعات ۷- استخراج اطلاعات
چهارم	تعیین محدودیتها و استعداد های حوضه	۸- تحلیل اطلاعات توسط تسهیل گران با بهره گیری از دانش بومی اهالی ۹- مستندسازی و تعامل اطلاعات وضع موجود بین تسهیل گر و مردم ۱۰- تشکیل سمینار توسعه پایدار محل
پنجم	تعیین اصول راهبردی حوضه	۱۱- تشکیل جلسات با گروه های منتخب مردمی جهت تعیین جهت کلی توسعه حوضه و تعیین پروژه های اجرایی موضعی و موضوعی

منابع:

- ضابطیان، جعفر، ۱۳۸۲، برنامه ریزی توسعه پایدار در مناطق روستایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- انصاری، علام رضا؛ ۱۳۸۱، توسعه پایدارموانع و راهکارها، شیراز، سازمان جهاد کشاورزی استان فارس، (گزارش پروژه).
- محرابی، علی اکبر، ۱۳۸۴، مسائل اقتصادی اجتماعی حوزه های آبخیز، جزوه درسی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- تیلرآید، کارل ای (۱۳۷۸) توسعه انسانی پایدار متکی به جامعه. تهران موسسه توسعه روستایی - مترجم (دکتر بلیغ)
- آزادی، احمد رضا (۱۳۸۰) نقش مشارکت در مدیریت جامع و توسعه پایدار، دانشگاه شیراز - (پایان نامه کارشناسی ارشد)
- محسنی ساروی، محسن، ۱۳۸۵، مدیریت حوزه های آبخیز، جزوه درسی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- نوروزی، محرم و ناهید تقی زاده. ۱۳۸۵ طرح بررسی اجتماعی سیل و واریزه های آن در مناطق سیل زده استان گلستان. مجله اینترنتی فصل نو. سال دوم. ش ۴۷. ۲۰ ص.
- محبوبی، امیر حسین و سید مهدی میردامادی. ۱۳۸۰. بررسی نیازهای آموزشی - ترویجی مجریان طرح های مرتعداری در شهرستان دماوند. مجله علمی پژوهشی علوم کشاورزی. صص ۳۲-۱۷.
- رفاهی، ح. ق. ۱۳۷۸. فرسایش آبی و کنترل آن، انتشارات دانشگاه تهران، دوره دوم ص ۲.
- شفقتی، مهدی و نادر صنوبر. ۱۳۸۵. طرح آبخیزداری شهری راهکاری مناسب از سیل گیری شهرها. سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور - معاونت آبخیزداری - اداره کل امور اجرایی آبخیزها.
- نارایان، پارکر. دیپا و کاترینا ابه (۱۹۹۷). طراحی صندوق های اجتماعی: شارکت، تقاضاگرایی و ظرفیت سازمانی محلی. ترجمه علیرضا کاشانی، ۱۳۸۳. مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی.
- کانیرز، دایان (۱۳۸۱) رهنمودهایی درباره تحلیل اجتماعی برای برنامه ریزی توسعه نواحی روستایی. تهران انتشارات روستا و توسعه شماره ۴۳.
- سازمان جنگل ها و مراتع و آبخیزداری کشور، ۱۳۸۳، منابع طبیعی ایران، دیروز، امروز، فردا، تهران: ماهنامه دام، کشت و صنعت، صص: ۱۲۷-۱۱۶